



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۸۴	تاریخ	۱۴۰۳/۱۲/۴
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	دلیل چهارم: استدلال به حکم عقل بر حجیت خبر واحد				
عنوان ۵	اشکال شیخ انصاری رحمته الله (شمول استدلال نسبت به کل امارات ظنیه)				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور مباحث پیشین

بحث ما در استدلال به دلیل عقل بر اثبات حجیت خبر واحد بود. تقریبی برای این استدلال بر اساس علم اجمالی وجود دارد که از دو مقدمه تشکیل شده است:

مقدمه اول: ما علم اجمالی داریم به اینکه در اخبار آحادی که به دست ما رسیده، احکام الزامی فراوانی وجود دارد که با عمل به آنها می توانیم به احکام و وظایف شرعی خود عمل کرده باشیم.

مقدمه دوم: این علم اجمالی منجز است؛ به این معنا که عقل ما را ملزم به عمل به این اخبار آحاد می کند تا بتوانیم از عهده تکالیف الزامی معلوم بالاجمال خارج شویم.

این خلاصه یا اجمال استدلال به دلیل عقل بر حجیت خبر واحد بود.

گفتیم که اشکالی از سوی مرحوم شیخ انصاری رحمته الله بر این استدلال وارد شده است. اشکال این است که اگر این استدلال پذیرفته شود، باید قائل به حجیت تمام امارات ظنیه شد؛ زیرا علم اجمالی ما یک علم اجمالی کبیر است که شامل تمام امارات ظنیه می شود، اعم از خبر واحد، شهرت، قیاس، استحسان و سایر امارات. ما اجمالاً علم داریم که در بین این امارات ظنیه، احکام الزامی کثیری وجود دارد و طبق منجزیت علم اجمالی، برای خروج از عهده این تکالیف، باید به تمام این امارات ظنیه عمل کنیم.

در پاسخ به این اشکال، جوابی از سوی خود ایشان ارائه شده است. حاصل این جواب آن است که این علم اجمالی کبیر، منحل می شود. علم اجمالی کبیر ما در دایره وسیع امارات ظنیه، به واسطه وجود علم اجمالی صغیر در دایره محدودتری، منحل می گردد. در این بیان، علم اجمالی کبیر (در دایره تمام امارات ظنیه) منحل می شود به:

۱. یک علم اجمالی منجز، در دایره خصوص اخبار آحاد ثقات (اخبار ثقه).

۲. یک شبهه بدویه، در دایره مازاد بر اخبار آحاد ثقات (یعنی سایر امارات ظنیه غیر خبری و اخبار غیر ثقه). نسبت به ماورای اخبار آحاد ثقات، دیگر علم اجمالی منجزی مبنی بر وجود احکام الزامی که در ضمن اخبار ثقات به دست ما نرسیده باشد، باقی نمی ماند. وجود چنین احکامی در ضمن امارات ظنی دیگر، صرفاً یک شبهه بدویه است. لذا علم اجمالی کبیر منحل شده و تنها علم اجمالی در دایره اخبار آحاد ثقات منجز باقی می ماند. نسبت به احکام الزامی محتمل در امارات ظنیه غیر خبری، اصل برائت جاری می شود؛ چرا که در حد شبهه بدویه قرار دارند و علم اجمالی منجز نسبت به آنها وجود ندارد.

بدین ترتیب، این اشکال مبنی بر لزوم حجیت تمام امارات ظنیه دفع می گردد و با این استدلال تنها وجوب عمل به اخبار ثقات ثابت می شود. احکام الزامی موجود در ضمن اخبار ثقات بر ما منجز هستند و با عمل به آنها، علم به فراغت ذمه حاصل می گردد. نسبت به احکام الزامی محتمله در خارج از دایره اخبار ثقات که در شبهه بدویه قرار دارند، اصل برائت جاری می شود.

ملاک انحلال علم اجمالی

لازم است روشن شود که ملاک این انحلال چیست و چرا علم اجمالی کبیر در دایره وسیع تر، به واسطه علم اجمالی در دایره ضیق، منحل می شود؟

ملاک این انحلال آن است که معلوم بالاجمال در دایره علم اجمالی کبیر، به صورت یقینی در ضمن دایره علم اجمالی صغیر موجود باشد. به عبارت دیگر، ما می دانیم که به همان اندازه از واقعیات الزامی که در دایره بزرگ تر علم اجمالی (مثلاً در کل امارات ظنیه) مورد علم اجمالی ماست، عیناً در دایره کوچک تر (مثلاً در اخبار ثقات) نیز وجود دارد. انطباق و گنجاندن شدن معلوم بالاجمال دایره کبیر در ضمن معلوم بالاجمال دایره صغیر، منشأ انحلال می گردد؛ در این صورت نسبت به خارج از علم اجمالی صغیر، یقینی بر وجود حکم الزامی که در مقدار علم اجمالی صغیر به دست ما نرسیده، وجود ندارد.

مثال برای توضیح ملاک انحلال، این است که شما علم اجمالی دارید که در میان ۵۰ ظرف آب، پنج ظرف متنجس وجود دارد. این علم اجمالی کبیر است. سپس علم اجمالی دیگری پیدا می کنید که در میان ۲۰ ظرف از همین ۵۰ ظرف - مثلاً در یک قسمت خاص - حتماً همان پنج ظرف متنجس وجود دارد. چون یقین دارید که آن پنج ظرف متنجس در ضمن این ۲۰ ظرف قرار گرفته اند، علم اجمالی اولیه شما نسبت به کل ۵۰ ظرف منحل می شود و دیگر نسبت به ۳۰ ظرف باقی مانده علم اجمالی منجزی ندارید. تنها علم اجمالی شما به وجود پنج ظرف متنجس در میان آن ۲۰ ظرف باقی می ماند و نسبت به خارج از آن ۲۰ ظرف (۳۰ ظرف دیگر) شبهه بدویه است که اصل برائت در آن جاری می شود. نکته اصلی در اینجا، علم به این است که معلوم بالاجمال دایره بزرگ تر به همان اندازه، در ضمن دایره کوچک تر موجود و منطبق شده است.

اشکال شهید صدر رحمته الله علیه بر انحلال

مرحوم آقای صدر رحمته الله علیه اشکالی دقیق را بر این بیان انحلال مطرح می نمایند. ایشان می فرمایند در اینجا سه دایره علم اجمالی وجود دارد:

۱. دایره اول (کل احتمالات الوجوب): دایره علم اجمالی به اینکه تعدادی از احتمالات در کل احتمالات وجود حکم الزامی، مطابق با واقع است و در این محتملات، احکام الزامی واقعی وجود دارد.

۲. دایره دوم (امارات ظنیه): دایره کوچک تر - که از آن به دایره وسطا تعبیر می کنند - می شود، دایره وجود احکام الزامی در ضمن امارات ظنی است. ما می دانیم که در دایره کل امارات ظنی، تعدادی از امارات ظنی مطابق با واقع است و ما احکام الزامی مطابق با مؤدای این امارات داریم.

۳. دایره سوم (اخبار ثقات): دایره صغرای علم اجمالی، خصوص اخبار آحاد ثقات است. ما می دانیم که در ضمن اخبار آحاد ثقاتی که برای ما نقل شده، بسیاری از آنها مطابق با واقع هستند و ما احکام الزامی حقیقی در ضمن مدالیل آنها وجود دارد.

این مورد قبول است که بر اساس تبیین انحلال، علم اجمالی کبیر در دایره اول (کل محتملات الوجوب)، به وسیله علم اجمالی در دایره وسطا (امارات ظنیه) منحل می شود. دلیل این انحلال بر اساس حساب احتمالات و مضعف کیفی و کمی تبیین می شود. مضعف کیفی و کمی باعث می شود که ما یقین پیدا کنیم در ضمن محتملات حکم الزامی در امارات ظنیه، محتملات مطابق با واقع به قدر کافی وجود دارد و احتمال وجود حکم الزامی در خارج از دایره این محتملات، آنقدر ضعیف است که قابل اعتنا نیست. به عبارت دیگر در انحلال از دایره کل محتملات الوجوب به دایره امارات ظنیه، کثرت امارات ظنیه و حساب احتمالات باعث می شود که احتمال وجود حکم الزامی واقعی که از طریق هیچ یک از امارات ظنیه به دست ما نرسیده باشد، آنقدر ضعیف شود که علم اجمالی ما به وجود چنین احکامی در خارج از دایره امارات ظنیه باقی نماند. این انحلال از دایره اول به دوم مورد پذیرش است.

اما اشکال شهید صدر رحمته الله علیه این است که این انحلال از دایره وسطا (امارات ظنیه) به دایره صغرا (اخبار ثقات) را نمی پذیرند. ایشان می فرمایند همان طوری که شما می گوئید علم اجمالی در دایره امارات ظنیه منحل می شود چون معلوم بالاجمال در ضمن اخبار ثقات وجود دارد - یعنی ما می دانیم به همان اندازه که در دایره امارات ظنیه، اماره مطابق با واقع کاشف از حکم الزامی وجود دارد، در ضمن اخبار ثقات نیز وجود دارد، چرا همین ملاک انحلال نسبت به سایر امارات ظنیه، مانند شهرت، جاری نشود؟

به عبارت دیگر، اگر ملاک انحلال صرفاً این باشد که معلوم بالاجمال دایره بزرگ تر، در ضمن دایره کوچک تر موجود است، و ما علم اجمالی داشته باشیم که به همان اندازه که معلوم بالاجمال در دایره امارات ظنیه وجود دارد، در ضمن شهرت ها نیز موجود است، در این صورت انحلال علم اجمالی امارات ظنیه تنها به وسیله احکام الزامی موجود در اخبار ثقات، مستلزم ترجیح بلامرجح است.

با این بیان، اشکال باز می گردد که این استدلال مطرح شده، شامل سایر امارات نیز می شود و تنها حجیت خبر را اثبات نمی کند.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرین